

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

حزب کار ایران – توفان

۲۴ جون ۲۰۱۳

## اعلامیه حزب کار ایران (توفان)

### در رابطه با جانبختن افشین اسانلو در زندان رجائی شهر

رژیم منفور جمهوری اسلامی مسؤل جانبختن افشین اسانلو کارگر زندانی است و آن را شدیداً محکوم می کنیم



با خبر شدیم افشین اسانلو فعال کارگری و راننده سابق شرکت واحد، برادر منصور اسانلو مؤسس سندیکای کارگران شرکت و احد تهران در زندان رجائی شهر جان باخت. این کارگر شریف که به جرم فعالیت سیاسی و امنیتی در بیدادگاهی محکوم شده بود که نه از وکیلی برخوردار بود و نه هیچ هیات منصفه ای در این بیدادگاه حضور داشت. اخبار و گزارشات رسیده از زندان همه گواه بر این امر است که افشین اسانلو تحت وحشیانه ترین شکنجه های جسمی و روحی قرار گرفته بود به طوری که در یکی از بازجوییهای ضد انسانی تعدادی از دندانهای او شکسته و آثار شکنجه در بدن او باقی بود.

حزب کار ایران (توفان) رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی را مسؤل مرگ افشین اسانلو می داند و آن را شدیداً محکوم می کند. رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی که مرگش را در تشکلات مستقل کارگری، اتحاد طبقاتی و آگاهی کارگران می بیند بار دیگر موجب مرگ کارگری شده که هدفی جز سعادت و خوشبختی کارگران نداشته است. رژیم اسلامی تلاش دارد با به زندان افکندن فعالان کارگری و شکنجه و قتل آنها و با فشار روحی و در تنگنا قراردادن اقتصادی خانواده های زندانیان دربند، مقاومت کارگران شریف را درهم شکنند تا بلکه مانع رشد و گسترش و هرگونه تشکل یابی کارگران این آفرینندگان ثروت جامعه گردد. لیکن این تلاشهای مذبحخانه بیهوده است و نمی تواند ماندگار باشد. مبارزه کارگران ایران نزدیک به دو قرن است که در اشکال متنوع ادامه دارد و دیدیم که سرانجام همین کارگران قهرمان صنعت نفت بودند که در انقلاب بهمن ۵۷ با اعتصاب درخشان خود کمر رژیم منفور پهلوی را شکستند و در

براندازی او نقش تعیین کننده ای ایفا نمودند. بنا براین هراس رژیم سرمایه داری اسلامی از کارگران ایران بی دلیل نیست اواز یگانگی و تشکیلات کارگران ایران وحشت دارد و از همین رو برای بقای منحوسش دست به هرجنایتی می زند.

**یاد افشین اساتلو گرامی باد! مرگ بر رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!**  
**برای آزادی فوری و بی قید شرط کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی بکوشیم!**

**حزب کار ایران (توفان)**

**اول تیرماه نودودو**

**www.toufan.org**

\*\*\*

**نامه زیر از آقای منصور اساتلو در مورد زنده یاد افشین اساتلوست که به تازگی انتشار یافته است:**

« افشین برادرم بود. کوچکترین برادر. بعد از در گذشت پدرم طبیعی بود که روند معمولی زندگی ما برهم بخورد. با شرایطی هم که در جامعه پدید آمده بود. همه ما بایستی کار می کردیم تا زندگی بگذرد. افشین هم به ناچار وارد بازار کار و جامعه کارگری شد. ت... اسال ۱۳۸۱ که در شرکت واحد شاغل شد. در مشاغل و کارهای مختلف کارگری کرد. در شرکت واحد راننده خط و سپس راننده واحد گشت شد. بعد از آن که در ان ایام فعالیت های سندیکایی ما در شرکت واحد گسترده تر شد، او و تعدادی از رانندگان و کارگران را به علت آن که قراردادی بودند بعد از اتمام تاریخ قرار داد اخراج کردند. بعد از آن برای گذران زندگی دوباره به کار در مشاغل مختلف پرداخت. از جمله برای رانندگی به ترمینال های مسافری بین شهری مراجعه می کرد و به عنوان راننده کمی مشغول به کار می شد. کاری بدون پشتوانه و امنیت شغلی و جانی. گاهی هم با کامیون و تریلی رانندگی می کرد. در خاطرات و یادداشت هایی که نوشته است گوشه هایی از شرایط سخت و ظالمانه کار در جاده ها و برخورد های کارفرماها را به خوبی بیان کرده است. در همان دوران با ملاحظه تلاش های ما برای تشکیل و پیشبرد امر سندیکای کارگران شرکت واحد و ملاحظه علاقه مندی و حضور کارگران شرکت واحد در جلسات سندیکائی نسبت به تلاش برای تشکیل سندیکای رانندگان جاده ای آغاز به فعالیت نمود. و آموزش ها و تجربیات و کتب مربوط به دانستنی های سندیکائی را دقیق تر از قبل مطالعه می کرد و آنها را به میان همکاران جاده ای اش می برد. گاهی اطلاعیه های سندیکائی را هم به دست همکاران و همدردان در ترمینال ها و پایانه ها می رساند. بعد از افتتاح مجدد سندیکا در خیابان ابوریحان که با همکاری یکی از وکلای برجسته و مردمی که خود سالها طعم تلخ زندان را کشیده بود. روزانه در آن دفتر حضور می یافت و امور سندیکائی محوله را به پیش می برد، همکاری تنگاتنگی که کاملاً راز دارانه انجام می شد که موجب دستگیری زود رس نشود. طی این مدت خیلی گسترده تر با رانندگان ترمینالها ارتباط داشت و در بین آنها بیانیه های آموزشی سندیکائی را نشر می داد. بعد از دستگیری من در ۱۹ تیر [سرطان] ۱۳۸۶ و بستن دفتر دوم سندیکا که با زحمت زیاد کارگران آماده و باز گشائی شده بود، افشین نیز دوباره به جاده و بیابان باز گشت. حدود سه سال پیش که من در زندان بودم. او را در قسمت خوابگاه رانندگان ترمینال جنوب دستگیر می کنند و به اطلاعات شهر ری می برند و با هماهنگی اطلاعات اوین او را به بند ۲۰۹ اوین می برند و تحت سخت ترین شکنجه ها قرار می دهند. تا از او علیه سندیکا و فعالیت های سندیکائی اقرار بگیرند. اقرار هائی دال بر همکاری سندیکا با گروه های سیاسی و اقدامات غیر قانونی و حتی تهیه اسلحه برای سندیکا یا داشتن نقشه بمب گذاری با همکاری عوامل گروه های سیاسی مخالف ج.ا که همه دروغ و واهی و چون او این اتهامات را نمی پذیرد زیر فشار های سخت تری قرار می گیرد»